

Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics

Persuading Public Opinion in the Implementation of Decarceration Policies with an Emphasis on Alternative Sentences

1. Behzad Momeni Moghadam*: PhD Student of Criminal Law and Criminology, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran. Email: momenimoghadambehzad@gmail.com (Corresponding Author)
2. Hassan Hajitabar Firuz Jai: Associate Professor, Department of Law, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran
3. Yaser Yahyazadeh: Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran

ABSTRACT

Today, public opinion serves as a fundamental variable and an invisible yet powerful concept in shaping reactions to crime and influencing the implementation of policies by policymakers in response to criminal activities. Public opinion has significantly diverged from its traditional concept and is now recognized as the subconscious and hidden social conscience in the face of societal events. In this regard, it appears that before implementing any policy, an appropriate groundwork must be established among the public to ensure that the resulting outcomes are beneficial. Among these policies, decarceration strategies and, consequently, alternative sentences are subjects that have faced challenges and failures in Iranian society due to the lack of public persuasion. However, one of the most effective approaches currently adopted in most countries around the world is the use of alternative sentences aimed at implementing decarceration policies. According to findings from Iranian society, this aspect has often been overlooked, and in discussions concerning imprisonment and the implementation of alternative sentences, public persuasion does not hold a defined position; instead, efforts are focused solely on enforcing the law without considering public persuasion. Undoubtedly, the use of strategic programs and the deployment of various effective tools—such as media, education, and the involvement of different organizations—will be highly beneficial and instrumental in raising public awareness and persuading public opinion regarding the implementation of decarceration policies and the promotion of alternative sentences. In this context, attention to religious teachings and the views of jurists can be enlightening and facilitative.

Keywords: *persuasion, public opinion, decarceration, alternative sentences.*

How to cite: Momeni Moghadam, B., Hajitabar Firuz Jai, H., & Yahyazadeh, Y. (2024). Persuading Public Opinion in the Implementation of Decarceration Policies with an Emphasis on Alternative Sentences. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(5), 269-283.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 22 November 2024
Revise Date: 15 December 2024
Accept Date: 25 December 2024
Publish Date: 31 December 2024



پژوهش‌ها و تطبیق فقه،

حقوق و سیاست

اقناع افکار عمومی در اجرای سیاست‌های حبس زدایی با تکیه بر مجازات‌های جایگزین

۱. بهزاد مومنی مقدم*: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران. پست الکترونیک: momenimoghadambehzad@gmail.com (نویسنده مسئول)
۲. حسن حاجی تبار فیروز جایی: دانشیار گروه حقوق، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران
۳. یاسر یحیی زاده: استادیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران

چکیده

امروزه افکار عمومی به عنوان یک متغیر اصلی و مفهوم ناپیدا اما قدرتمند در شکل دهی واکنش نسبت به جرم و اتخاذ سیاست‌های اجرایی توسط دولتمردان در مواجهه با جرم می‌باشد که از مفهوم سنتی خود فاصله عمیقی گرفته و به عنوان ضمیر باطنی و پنهان اجتماعی در مقابل حوادث جامعه شناخته شده است. در این راستا به نظر می‌رسد قبل از اجرای هر سیاستی می‌بایست بستری درخور اجرای آن در میان مردم فراهم گردد تا در نهایت نتایج حاصله با سودمندی همراه گردد. در این بین سیاست‌های حبس زدایی و به تبع آن مجازات‌های جایگزین از جمله موضوعاتی هستند که به دلیل عدم اقناع افکار عمومی با چالش و ناکامی در جامعه ایران روبرو شده‌اند. این در حالی است که یکی از بهترین روش‌های اجرایی که در حال حاضر در اغلب کشورهای جهان انجام می‌گیرد بهره‌گیری از مجازات‌های جایگزین حبس با هدف اجرای سیاست حبس زدایی است. طبق نتایج به دست آمده در جامعه ایران این امر همواره نادیده گرفته شده و در بحث زندان و اجرای مجازات‌های جایگزین آن، اقناع افکار عمومی جایگاه مشخصی ندارد و بدون توجه به متقاعد سازی افکار عمومی به دنبال اجرای قانون هستیم. بی‌تردید بهره‌گیری از برنامه‌های راهبردی و بکارگیری ابزارهای متنوع و کارآمدی چون رسانه، آموزش، مشارکت سازمان‌های مختلف و ... در جهت فرهنگ‌سازی و اقناع افکار عمومی به منظور اجرای سیاست‌های حبس زدایی و ترویج مجازات‌های جایگزین بسیار کارساز و کمک کننده بوده و نقش اساسی و محوری خواهد داشت. در این راستا توجه به آموزه‌های دینی و نظریات فقها می‌تواند راهگشا و تسهیل کننده باشند.

واژگان کلیدی: اقناع، افکار عمومی، حبس زدایی، مجازات‌های جایگزین

نحوه استناددهی: مومنی مقدم، بهزاد، حاجی تبار فیروز جایی، حسن، و یحیی زاده، یاسر. (۱۴۰۳). اقناع افکار عمومی در اجرای سیاست‌های حبس زدایی با تکیه بر مجازات‌های جایگزین. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۵)، ۲۸۳-۲۶۹.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲ آذر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۵ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۴ دی ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۰ دی ۱۴۰۳



در دنیای امروز با گسترش و پیشرفت سریع فن آوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، انسان‌ها با نوع دیگری از زندگی روبرو هستند. در این نوع زندگی افکار و درک آن‌ها از محیط پیرامون خود نسبت به گذشته تغییر یافته و با هر رویدادی، واکنش مردم هر جامعه‌ای قابل ملاحظه است. در این وضعیت، شناخت افکار عمومی و نقش آن از جایگاه والایی برخوردار است زیرا که نمی‌توان از تاثیرگذاری آن بر حوادث مختلف چشم پوشید. از طرفی افکار عمومی یک متغیر مهم در شکل دهی واکنش نسبت به جرم و اتخاذ سیاست‌های اجرایی توسط دولتمردان در مواجهه با جرم می‌باشد. بدیهی است که افکار عمومی هر جامعه از ترکیب و تلفیق دیدگاه‌های فردی و جمعی در بستر فرهنگی آن جامعه شکل می‌گیرد و به تدریج تحول می‌یابد (Salehi et al., 2018). به عبارت دیگر، هر جامعه به شیوه‌ای خاص، عقاید و تفکرات خود را دارد و پاسخ‌های جمعی خاصی را به موقعیت‌ها و وضعیت‌ها ارائه می‌دهد. ماهیت افکار عمومی در جوامع مختلف و همچنین در زمان‌های مختلف در یک جامعه، متفاوت است (Suvi, 1975).

بعضاً سیاست زدگی جامعه باعث شده از درک عمیق مسائل فاصله بگیریم برای همین مهم ترین مساله مغفول مانده مربوط به مباحث تاثیر افکار عمومی بر مسائل مختلف است.

باید اذعان نمود در گذشته، افکار عمومی به صورت خرد و محدود تعریف می‌شد، اما امروزه این مفهوم دچار تغییرات عمیقی شده و به عنوان ضمیر پنهان و اجتماعی جامعه در برابر حوادث شناخته می‌شود و به عنوان عاملی اساسی در نظر گرفته می‌شود. این امر منجر شده که خواه ناخواه گستره عملکرد و اجراییات دولتمردان و ضابطین اجرایی کشور بر مبنای توجه ویژه به افکار عمومی و به قولی رضایت ایشان قرار بگیرد. حال نکته مهم اینست که توجه به افکار عمومی می‌تواند آثار مثبت یا منفی به همراه داشته باشد. از یک سو، افکار عمومی در هر جامعه انتظار دارد که خواسته‌ها و مطالبات آن‌ها مورد توجه مسئولین قرار گیرد. هنگامی که مردم احساس کنند که خواسته‌هایشان به قانون‌گذاران منتقل شده و در قوانین منعکس شده، نسبت به آن احساس نزدیکی بیشتری پیدا می‌کنند و این را یکی از اصول اصلی ثبات و مشروعیت نظام‌های حقوقی و سیاسی می‌دانند.

از سویی دیگر ممکن است خواست ایشان همواره بهترین گزینه نبوده و توجه به آن، جامعه را از رسیدن به تعالی بازدارد. بنابراین، سیاست‌گذاری‌های عامه‌پسند که بدون در نظر گرفتن یافته‌های علمی اتخاذ می‌شوند، ممکن است به ضعف‌های جدی منجر شود و به عنوان چالشی در اکثر جوامع به خصوص جوامع توسعه نیافته قلمداد می‌گردد. یکی از بهترین روشهای اجرایی که در حال حاضر در اغلب کشورهای جهان انجام می‌گیرد بهره‌گیری از مجازات‌های جایگزین حبس به منظور اجرای سیاست حبس زدایی است. این امر در ایران نیز در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات جایگزین حبس به صورت اختصاصی مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس ماده ۶۴ این قانون، مجازات‌های جایگزین حبس شامل دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جریمه نقدی، جریمه نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است.

در واقع در حقوق ایران با توجه به ناکارآمدی حبس و در جهت به روز نمودن قوانین با هدف درمان و اصلاح، قانونگذار به تدوین قوانین مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس روی آورده است که نوع جدیدی از مجازات‌هاست و با مشارکت مردم و نهادهای مدنی اعمال می‌گردد. با تمام منفی که این نوع سیاست جایگزین، برای جامعه در پی دارد اما متأسفانه با عدم استقبال از سوی مردم روبرو شده که اجرای آن را دچار اختلال نموده است. در این راستا می‌توان گفت چالش بزرگ عدم اقتناع افکار عمومی در اعمال سیاست‌های حبس زدایی و اجرای مجازات‌های جایگزین می‌باشد. در این شرایط بستری نامناسب که صرفاً بر کسب رضایت از افکار عمومی تکیه دارد به وجود آمده که هر

نوع اقدامی که بر اساس ارائه روشهای علمی مفید باشد را محدود نموده است. بنابراین لازم است تا قبل از اجرای هر سیاستی، بستری درخور اجرای آن فراهم گردد تا در نهایت تمرکز اصلی بر نتایج آن معطوف گردد نه اینکه در ابتدایی ترین مراحل از حرکت بازماند. در ادامه برآنیم تا به ارائه توضیحات بیشتر و راهکارهای موثر در این زمینه بپردازیم. بدین منظور ابتدا به مفاهیم اصلی اشاره و سپس به بررسی سیاست جنایی ایران در راستای حبس زدایی و عوامل موثر بر افکار عمومی در این زمینه می‌پردازیم.

۱. تعریف مفاهیم

- اقناع

اقناع برگرفته از واژه قَنع و به معنای وقتی است که کسی راضی و خشنود شود. از نظر صاحب لسان العرب نیز اقناع به اقبال با صورت به چیزی معنا شده است به کشیدن دست هنگام دعا؛ زیرا اقبال بر جهتی است که دست به سوی آن کشیده شده است ([Ebn Manzoor, 2001](#)).

اقناع یک فرآیند ارتباطی است که هدف آن تأثیرگذاری بر گیرنده پیام می‌باشد. یک پیام ترغیبی به‌طور داوطلبانه نظر یا رفتاری را به گیرنده ارائه می‌دهد و انتظار می‌رود که این پیام بر مخاطب تأثیر بگذارد ([Mutavali, 2002](#)).

- افکار عمومی

افکار عمومی به مجموعه نظرات، روش‌ها و ارزیابی‌های مشترک یک گروه اجتماعی در مورد موضوعی خاص اشاره دارد که در یک زمان معین بین تعدادی از افراد یک قشر یا طبقه یا حتی در سطح کل جامعه به‌طور نسبی شایع شده است ([Aghabakhshi & Afsharirad, 2000](#)).

به کار بردن اصطلاح افکار عمومی به قرن هجدهم برمی‌گردد، زمانی که برای بیان دیدگاه‌های نخبگان فرانسوی نسبت به پادشاه استفاده می‌شد. بعد از انقلاب فرانسه، این اصطلاح به معنای نظرات کلیه افراد (نخبگان و عموم مردم) نسبت به دولت رواج یافت ([Naqhibzadeh, 2009](#)).

در تعریفی دیگر افکار عمومی عبارت است از: قدرت و نیروی گمنامی که اکثریت یا اقلیت آگاه مردم در قبال سیاست‌های حاکم و جاری و در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اعمال می‌کنند و در غایت به مطلوب‌شان دست می‌یابند ([Taqavi, 2005](#)), به تعبیر دیگر افکار عمومی قدرت گمنام باطنی و نیروی سیاسی ملی است که در هیچ قانون اساسی پیش‌بینی نشده است ([Suvi, 1975](#)).

از تعاریف به عمل آمده فهمیده می‌شود که افکار عمومی، خاص یک دسته و گروه نیست، بلکه باید عامه‌ی مردم در آن مشارکت داشته باشند. اتفاق نظر در بین بعضی از گروه‌های اجتماعی را نمی‌توان افکار عمومی نامید، بلکه در افکار عمومی حضور همه‌ی اقشار اجتماعی شرط حصول آن به‌شمار می‌آید و نکته‌ی قابل توجه در تعاریف فوق آن است که افکار عمومی صرفاً دیدگاه اکثریت یا اقلیت آگاه نیست؛ چون در این صورت باید نام آن را عقاید عمومی گذاشت که در هر جامعه‌ای وجود دارد، بلکه نکته مهم، در این تعاریف، این قسمت از تعریف است که افکار عمومی را قدرت و نیروی گمنامی می‌داند که در غایت به مطلوبش می‌خواهد برسد و این بدان معنی است که افکار عمومی چیزی فراتر از صرف وجود عقایدی خاص در جامعه است و آن تأثیرگذاری این عقاید می‌باشد، بنابراین غالباً افکار عمومی در کشورهای دموکراتیک ظهور و بروز بیشتری دارد و چه‌بسا به‌قول "آلفرد سوی" با ذکر این اصطلاح فکر دموکراسی به خاطر آید ([Suvi, 1975](#)). البته بدون شک در جوامع توتالیتر هم، هرچند ضعیف، حضور افکار عمومی را می‌بینیم ولی در حقیقت استبدادی بودن حکومت با کارایی و حضور افکار

عمومی رابطه‌ی مستقیم دارد و بر همین مبناست که "جیمز برایش" می‌گوید: «هر چه حکومت‌ها بدوی‌تر و ساده‌تر باشند، افکار عمومی بی‌تحرك‌تر و بردبارتر است» (Christensen, 2020) در حالی‌که دولت‌های مردمی با بها دادن به افکار عمومی در بین افراد مردم، ایجاد انگیزش و پویایی و تحرك می‌نمایند و در این پویایی است که مردم با مبادله‌ی افکار، رشد سیاسی و فکری پیدا می‌کنند. پیش از ظهور رسانه‌های عمومی، افکار عمومی به‌سرعت گسترش نمی‌یافت و معمولاً در محدوده‌ای کوچک مانند یک روستا یا منطقه محصور می‌ماند یا به تدریج از بین می‌رفت. اما با روی کار آمدن رسانه‌های همگانی، افکار عمومی به سطح بین‌المللی توسعه یافته و به دلایل مختلف، از جمله نیاز دولت‌ها به مشروعیت در نزد مردم، اهمیت بیشتری یافته است. افزایش اهمیت افکار عمومی و لزوم مطالعه آن، منجر به توسعه روش‌های تحلیل و بررسی افکار عمومی، به ویژه در قالب نظرسنجی‌ها شده و این روش‌ها به هویتی مستقل دست یافته است.

- مجازات جایگزین حبس

استفاده از مجازات زندان نه تنها موجب اصلاح مجرمان نمی‌شود، بلکه باعث تجری مجرم و آثار منفی دیگر خواهد شد، از این رو حقوق‌دانان، خواستار کاهش مجازات زندان در قالب سیاست‌های حس زدایی و یا جایگزین نمودن مجازات‌های دیگری می‌باشند. مجازات‌های جایگزین حبس شامل مجموعه‌ای از راهکارها و اقدامات کیفری با ماهیت و ساختاری عموماً جامعه‌محور هستند که به منظور جلوگیری از تحمیل و اجرای مجازات حبس برای مجرمانی که نگهداری در زندان برای آن‌ها و جامعه خطرناک، غیرمؤثر و غیرضروری به شمار می‌آید، به کار گرفته می‌شود. به عبارتی دیگر «جایگزین‌های کیفر سالب آزادی بدیل‌هایی هستند که یا در دادنامه کیفری یا پس از صدور حکم (در زمان اجرای مجازات) مطرح می‌شوند. با این اوصاف بدیل‌هایی مورد بحث است که قاضی در زمان صدور حکم، حق انتخاب بین اعزام محکوم به زندان و حق انتخاب نسبت به باقی گذاردن زندانی در زندان و خارج کردن او از حبس را دارد» (Abol Asal & Translated by Ali Hossein, 2000).

در ایران، برای نخستین بار، نهاد مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی به رسمیت شناخته شد. طبق ماده ۶۴، این مجازات‌ها شامل دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جریمه نقدی، جریمه نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است. تعیین و اجرای این مجازات‌ها با توجه به نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن و مهارت مجرم، وضعیت شخصیت و سابقه وی، شرایط بزه‌دیده و سایر عوامل، به ویژه در صورت رضایت شاکی و وجود علل تخفیف، صورت می‌گیرد. همچنین، دادگاه باید در حکم خود به تناسب و سنخیت مجازات با شرایط و کیفیت‌های مقرر در این ماده اشاره کند. این دادگاه نمی‌تواند بیش از دو نوع مجازات جایگزین را مقرر نماید. به نظر می‌رسد که استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس می‌تواند به کاهش جمعیت زندانیان، کاهش هزینه‌های اقتصادی، جلوگیری از فروپاشی خانواده‌های زندانیان، بهره‌برداری از نیروی کار مجرم در جامعه، جبران خسارت بزه‌دیده و همچنین رویکرد انسانی و مبتنی بر کرامت به بزهکاران منجر شود (Gholami & Maleki, 2014).

۲. سیاست جنایی ایران در راستای حبس زدایی

با توجه به ناکارایی مجازات زندان، تدابیر مختلف دیگری برای محکومین در کیفرهای مختلف ارائه شده است که بر این اساس بر اهداف و سیاست‌های زندان تأثیرگذار بوده است. در ادامه به بررسی قوانین مختلف در این زمینه پرداخته می‌گردد.

۲-۱- قانون اساسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طور مستقیم اشاره‌ای به حذف حبس نشده است، اما می‌توان این سیاست را به طور غیرمستقیم از اصل ۱۵۶ که بر اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین تأکید دارد، استنباط نمود که چنین بیان شده است:

«قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند.
۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع.
۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین.
۴. کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام»
۵. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

۲-۲- سیاست‌های کلی نظام

در سیاست‌های کلی نظام بر اساس بند «۱» از اصل (۱۱۰) قانون اساسی که توسط مقام رهبری ابلاغ می‌شوند، موضوع حبس زدایی بیان شده است. در سال ۱۳۸۱ برای اولین بار در سیاست‌های کلی نظام در مورد امنیت قضایی تصریح گشت. بر اساس بند ۱۴ بازنگری در قوانین، یکی از راهبردهای نظام به منظور افزایش امنیت قضایی، کاهش عناوین جرائم و کاهش استفاده از مجازات زندان بوده است. هفت سال بعد، در سال ۱۳۸۸، سیاست کلی قضایی پنج ساله که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شد، نیز به این موضوع پرداخته و در بند ۱۲ این سند، اتخاذ تدابیر لازم برای استفاده از مجازات زندان با رویکرد حبس‌زدایی به‌عنوان یکی از سیاست‌های کلیدی این دوره معرفی شده است. علاوه بر این، در سال ۱۳۹۴ و در سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله ششم توسعه، بهبود وضعیت زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها (بند ۶۵) مجدداً به اصلاح قوانین جهت حبس زدایی توجه شده است. مطابق بند ۶۴ بازنگری در قوانین جزایی به منظور کاستن از محکومیت به حبس و تبدیل آن به مجازات‌های دیگر و متناسب‌سازی مجازات‌ها با جرائم به عنوان یکی از راهبردهای اصلی در نظام قضایی ترسیم شده است.

۲-۳- قانون برنامه توسعه

همواره در قانون برنامه‌های توسعه به مجازات حبس پرداخته شده است. در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موضوع حبس زدایی البته با رویکرد درآمدزایی بیان شده است. در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ نیز به اصلاح وضعیت زندان و ایجاد محیط مناسب برای بازپروری و اصلاح پرداخته و در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ هم به موضوع جرم زدایی و کاستن از عناوین مجرمانه پرداخت و هم قوه قضائیه را مکلف نمود تا علاوه بر تهیه «لایحه جرم زدایی از قوانین کیفری»، «لایحه جایگزین‌های مجازات حبس» را تهیه و ارائه کند. و همچنین تأکید بر اصلاح قوانین به منظور حبس‌زدایی دوباره مورد توجه قرار گرفته است. هدف این اقدامات، علاوه بر تهیه «لایحه جرم‌زدایی از قوانین کیفری»، تهیه و ارائه «لایحه جایگزین‌های مجازات حبس» بوده است. طبق متن ماده (۱۳۰) این قانون، هدف از این اقدام استفاده از روش‌های نوین برای اصلاح و تربیت مجرمان در جامعه و همچنین ایجاد تناسب بهتر بین جرم و مجازات و شخصیت مجرم است. به عبارت دیگر، قانون‌گذار جایگزین کردن مجازات حبس با سایر مجازات‌های دیگر را به‌عنوان یکی از روش‌های نوین برای اصلاح و درمان در نظر می‌گیرد و

مجازات‌های موجود را با جرائم نامتناسب می‌سنجند. علاوه بر این، تناسب مجازات با شخصیت مرتکب جرم به‌عنوان هدف و معیاری برای تعیین مجازات‌های جایگزین معرفی می‌شود.

اما در قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹، قانون‌گذار با توجه به این که لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۰۴/۰۸ به تصویب هیئت وزیران رسیده و به مجلس ارسال شده بود، به جای تأکید مجدد بر تهیه این لایحه، به موضوعاتی چون استانداردسازی ضمانت اجرای کیفری و جایگزینی آن‌ها با ضمانت اجرای غیرکیفری، ارتقای بازدارندگی و جنبه اصلاحی مجازات حبس، و همچنین بهبود شرایط زندان‌ها اشاره کرده است.

۲-۴- قانون مجازات ۱۳۹۲

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، اقدامات موثری در راستای حبس‌زادایی انجام شده است که نمونه‌های بارز آن شامل جزای نقدی روزانه، دوره مراقبت و خدمات عمومی رایگان است. با تصویب قانون مجازات اسلامی در فصل نهم از مواد ۶۴ تا ۸۷ به مجازات جایگزین حبس اشاره کرده است.

۲-۵- قانون کاهش حبس

قانون کاهش حبس تعزیری با هدف حبس‌زادایی در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۲۴ به تصویب رسید. این قانون نه تنها مجازات برخی جرایم تعزیری را کاهش می‌دهد، بلکه بسیاری از مفاهیم و نهادهای حقوق کیفری را نیز تغییر می‌دهد. مواردی چون جرایم قابل گذشت، تعدد جرم، تکرار جرم، مصادیق خاص شروع جرم و معاونت در جرم، کاهش مجازات، تبدیل مجازات، تعلیق مجازات، جایگزین‌های حبس، مجازات‌های تکمیلی، نظام نیمه‌آزادی، نظارت با استفاده از سامانه‌های الکترونیکی، صدور حکم و صلاحیت دادگاه‌ها تحت تأثیر این قانون قرار می‌گیرند.

۲-۶- آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها مصوب ۱۴۰۰

یکی از مهم‌ترین وظایفی که در این آیین‌نامه برای شورای طبقه‌بندی در رسیدگی به درخواست زندانیان جهت اعطای تسهیلات و ارفاقات، پیش‌بینی شده، رسیدگی به ادعای توبه متهمان و محکومان است که برای اولین بار در این آیین‌نامه به آن تصریح شده است. این امر در کنار سایر ارفاقات، می‌تواند تأثیر بسزایی در سیاست حبس‌زدایی داشته باشد. نکته دیگر در این بخش پیش‌بینی مرخصی‌های متنوع برای محکومان است که در مواد ۱۹۴ الی ۲۰۱ به آن‌ها تصریح شده است.

تأکید بر مبحث اشتغال زندانیان یکی از نکات مهم این آیین‌نامه می‌باشد که با اجرای دقیق و کامل آن می‌توان علاوه بر ایجاد اشتغال و حرفه‌آموزی زندانیان در دوران تحمل حبس و کاهش جمعیت زندان‌ها از طریق اعزام به کار در زندان‌های باز، موجبات بازاجتماعی شدن زندانیان و ایجاد درآمد برای خانواده آنان و کاهش آسیب‌های زندان را به دنبال داشته باشد.

یکی دیگر از موارد در نظر گرفته شده در سیاست حبس‌زدایی، تأکید بر برگزاری منظم جلسات شورای طبقه‌بندی است که این امر در زندان‌های بالای ۵۰۰ نفر باید دو بار در هفته انجام شود.

۲-۷- مجازات‌های جایگزین در ایران

حبس‌زدایی طبق تعریف شورای اروپا عبارت است از: «کلیه اشکال جرح و تعدیل در درون نظام کیفری در جهت تخفیف مانند تبدیل بزهی از درجه جنایی به جنحه‌ای یا گذاشتن یک اقدام جانشین به جای کیفر سالب آزادی» (Najafi Abrandabadi, 2002). سیاست حبس‌زدایی و استفاده از جایگزین‌های حبس بحث‌های زیادی را در میان حقوقدانان و جرم‌شناسان به همراه داشته و موافقان و مخالفان زیادی دارد.

قانون‌گذار در نهایت به نظرات موافقان پاسخ داده است، هرچند که بسیاری از فقها مجازات حبس را به‌طور قطعی مورد قبول شرع نمی‌دانند. به هر حال، می‌بایست نتایج این تغییرات را در عمل و پس از اجرای قانون بررسی کرد. به‌ویژه برخی آثار مثبت مانند بهبود وضعیت زندان‌ها، صرفه‌جویی در هزینه‌ها، ایجاد فرصت بیشتر برای اصلاح مجرمان و اجرای بهتر عدالت از حالا قابل پیش‌بینی است (Zeraat, 2013).

جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران به دو دسته جایگزین‌های سنتی و جدید تقسیم شده اند:

الف) جایگزین‌های سنتی: یعنی جایگزین‌هایی که از بدو تدوین قانون به آن‌ها اشاره شده است. که عبارتند از: آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات، جزای نقدی و مجازات‌های محرومیت از حقوق اجتماعی.

ب) جایگزین‌های جدید: جایگزین‌های جدید حبس عبارتند از: دوره مراقبت، جریمه روزانه، خدمات عمومی (کار عام المنفعه)، حبس در منزل (حبس خانگی)، نظارت الکترونیکی (حبس الکترونیکی).

۳. دلایل سوگیری و عدم همراهی افکار عمومی در اجرای سیاست‌های حبس زدایی

به طور کلی نگاه عمومی جامعه در برخورد با جرائم و تخلفات، حبس و زندانی شدن افراد است درحالی‌که زندان باید راه نهایی و آخرین راهکار باشد. بر این اساس می‌توان دلایل مختلفی را برای سوگیری و عدم همراهی افکار عمومی در اجرای سیاست‌های حبس زدایی بیان نمود. باید اجرای سیاست‌های حبس زدایی با الگوهای فرهنگ جمعی مطابقت داشته و پاسخگوی نیازهای افراد باشد. بستر اصلی اجرای سیاست‌های حبس‌زدایی با فرهنگ و ارزش‌های جامعه ارتباط دارد و تمامی عوامل مؤثر در این زمینه به‌نوعی با فرهنگ جامعه در ارتباط هستند. در این میان، برخی افراد نقش اساسی‌تری دارند، از جمله سیاست‌مداران، روشنفکران و مدیران و ... که می‌توانند بر نوع سوگیری و همراهی مردم تأثیرگذار باشند.

۴. عوامل مؤثر بر افکار عمومی در جهت اجرای سیاست‌های جنایی مجازات‌ها

امروزه مقولاتی همچون متقاعدسازی، فرهنگ‌سازی و تأثیر بر حوزه عمومی در راستای نیل به اهداف خاص از جمله اقداماتی است که در سایه قدرت یافتن رسانه‌های گروهی و تأثیرات شگرف آن بر حوزه افکار عمومی جوامع بسیار مورد توجه قرار گرفته است. افکار عمومی که اینک شکل دهنده تمامی ابعاد عناصر و مولفه‌های زندگی جمعی انسان‌هاست، موضوع بسیار مهم و حیاتی است که اگر به درستی مورد توجه قرار گرفته و در جهت صلاح جامعه هدایت گردد، بسیاری از مسائل و مشکلات و هزینه‌هایی که جوامع بر اثر ناآگاهی می‌پردازند را کاهش داده و موجب سعادت افراد هر جامعه خواهد گردید.

علاوه بر انواع و گونه‌های تبلیغاتی شناخته شده مانند تبلیغات تجاری، سیاسی و ... همچنین، انواع دیگری از تبلیغات غیرانتفاعی، که معمولاً دولتی هستند، در رسانه‌ها رایج‌اند که هدف بسیاری از آن‌ها ارتقاء سطح فرهنگ، بهداشت، آسایش و بهبود شرایط زندگی افراد جامعه است. در این گونه تبلیغات، تلاش‌های متقاعدکننده به‌طور عمده مستقیم و همراه با ارائه شناخت و آموزش صورت می‌گیرد و کمتر به فرآیندهای ناهشیار روان‌شناختی که در تبلیغات تجاری بیشتر دیده می‌شود، اتکا می‌شود.

اهمیت این حوزه به اندازه‌ایست که تقریباً هیچ مقوله‌ای اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ... را نمی‌توان یافت که بدون نیاز به پیوست رسانه‌ای و فرهنگی و تغییر یا اصلاح نگاه عمومی به آن بتوان موفق و مؤثر و در جهت خواست و صلاح حاکمان و یا افراد جامعه آن را اجر و ارزیابی نمود.

بخصوص در عرصه‌های اجتماعی، جوامع علاوه بر نیاز به سازوکارها، قواعد و قوانین به‌روز و کارآمد، نیازمند دانش، آگاهی و عزم عمومی برای اجرای بسترهای تعیین شده از سوی حاکمیت می‌باشند تا با همراهی این دو یعنی چهارچوب‌های تنظیم کننده زندگی اجتماعی و همراهی و هم‌دلی عمومی به ثمر رسیده و کارکرد حقیقی خود را پیدا کنند.

در حال حاضر، بسیاری از سیاست‌هایی که توسط دولت‌ها اتخاذ شده، نتوانسته‌اند به نتایج و اهداف مورد نظر سیاست‌گذاران دست یابند و منافع و منابع اجتماعی ارزشمند به دلیل ناکامی این سیاست‌ها از بین رفته‌اند. علاوه بر این، برخی از مشکلات به دلیل عدم توجه به ابعاد فرهنگی و اطلاع‌رسانی، حتی بیشتر تشدید شده‌اند. به همین دلیل، با شکست بسیاری از سیاست‌های عمومی، تحلیلگران سیاستی به جنبه‌های مختلف سیاست‌ها و اهمیت مراحل مختلف فرآیند سیاست‌گذاری، به‌ویژه پذیرش و حمایت آن توسط جامعه، توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند.

متقاعدسازی به‌عنوان یک فرآیند پیچیده انسانی، برای تأثیرگذاری بر تغییر در باورها، ارزش‌ها یا نگرش‌ها انجام می‌شود (Dadgaran, 2008). میلر، ساده‌ترین تعریف از متقاعدسازی را ارائه کرده و سه وظیفه اصلی آن را شامل تقویت، تغییر و پرورش نگرش‌ها ذکر می‌کند. او می‌گوید که نگرش‌ها نوعی واسطه ارزشی‌اند که افراد را برای رفتارهای مشخص نسبت به محرک‌های خاص آماده می‌سازند (Carl & Vincent, 1999).

محققانی مانند مک‌گوایر، وود و ایگلی نیز در زمینه عناصر و متغیرهای مؤثر در متقاعدسازی پژوهش‌های مفصلی انجام داده‌اند. آن‌ها در تحقیقات خود چهار متغیر کلیدی متقاعدسازی را شناسایی کرده‌اند که شامل منبع پیام، محتوی پیام، کانال انتقال پیام و مخاطب هستند (Elyasi, 2008).

این مسئله نشان می‌دهد که هر پیام متقاعدکننده و اقدام مبتنی بر متقاعدسازی به چهار رکن اصلی وابسته است. بنابراین، در فرآیند متقاعدسازی، تمام این چهار مؤلفه باید مد نظر قرار گیرد.

به همین خاطر، سیاست‌گذاران نمی‌توانند صرفاً به صدور دستور بپردازند و انتظار داشته باشند سیاست‌هایشان با استقبال مواجه شود. اگر آن‌ها می‌خواهند فرامینشان به اقدام عمومی تبدیل شود، ضروری است که بتوانند جامعه هدف را به تغییر نگرش و رفتار متقاعد کنند.

خوشبختانه امروزه ابزارها و تکنیک‌های رسانه‌ای به قدری رشد یافته و کامل شده‌اند که با دانستن شیوه صحیح استفاده از آن‌ها می‌توان ارتباط وسیع، عمیق و موثری را با جامعه هدف برقرار نموده و در صورت برقراری چنین ارتباطی، تغییرات نگرشی و رفتاری دلخواه را در آنان به وجود آورد. چنین تأثیری در ابتدا نیازمند برقراری ارتباط دوسویه و مبتنی بر اعتماد و احترام به افکار عمومی و فهم متقابل بوده و در ادامه مستلزم دانستن شیوه‌های اقناع، فرهنگ‌سازی و نهادینه‌سازی باورهای جدید خواهد بود.

یقیناً این تکنیک‌ها و ابزارها در جامعه ایران نیز همچون دیگر جوامع از الگوهای مشترکی پیروی نموده لیکن فضای فرهنگی خاص ایران و ابزارهای ارتباطی بومی نیز وجود دارند که باعث می‌شوند شیوه‌های عمل در حوزه رسانه با دیگر جوامع تفاوت‌هایی نیز داشته باشد که می‌بایست این تفاوت‌ها را نیز درک نمود و بر اساس آن به هرگونه کنش در این فضا دست زد.

در مجموع می‌توان ابزارهای فرهنگ‌سازی و اقناع اجتماعی در ایران را بدین‌گونه تقسیم‌بندی نمود:

۱. رسانه‌های سنتی مانند: مساجد، منابر، هیأت‌های مذهبی، تریبون‌های نماز جمعه و...
۲. رسانه‌ها و نظامات آموزشی مانند: مدارس، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و...
۳. رسانه‌های رسمی حاکمیتی مانند شبکه‌های صدا و سیما و سایر مطبوعات و خبرگزاری‌های دولتی.

۴. خبرگزاری‌ها، مطبوعات، کتب و سایر رسانه‌های خصوصی.

۵. رسانه‌های اجتماعی و ابزارهای فضای مجازی.

۶. مشاهیر و سلبریتی‌ها.

۷. سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های مردمی مانند انجمن‌های خیریه و...

یقیناً در صورت داشتن برنامه راهبردی رسانه‌ای و با وجود چنین ابزارهای متنوع و کارآمدی، می‌توان سیاست‌های حبس‌زدایی و ترویج مجازات‌های جایگزین را نیز به بهترین وجه ممکن و در سریع‌ترین زمان ممکن فرهنگ‌سازی نمود و افکار عمومی جامعه اعم از مردم و مسئولان امر را نسبت به لزوم، اهمیت و ثمرات آن آگاه نمود.

نکته‌ای که در این رابطه باید به آن توجه داشت این است که هرکدام از ابزارهای ارتباطی، علاوه ضریب نفوذ در میان طبقات خاصی از جامعه، تأثیرات متفاوتی را نیز می‌توانند بر افکار عمومی داشته باشند. دانستن این تأثیرات و دیگر ظرایف و دقایق مترتب بر این فرایند، ضرورت داشتن برنامه‌ای جامعه و تخصصی برای متقاعدسازی جامعه در زمینه مجازات‌های جایگزین زندان را یادآور می‌شود.

مراحل متقاعدسازی

بر اساس منابع علمی، کارگزار متقاعدسازی (فرد یا نهادی که قصد فرهنگ‌سازی یا متقاعدسازی بخش یا همه جامعه نسبت به موضوعی خاص دارد) الزاماً می‌بایست مراحل زیر را به عنوان گام‌ها یا مراحل فرهنگ‌سازی انجام دهد.

۱. برانگیختن احساس نیاز به تغییر: مشخص کردن نیازها و مطرح کردن نیازها به عنوان راهی برای رسیدن به وضعیت بهتر.

۲. ایجاد ارتباط با مخاطب: ایجاد اعتماد و همدلی، تحکیم روابط به منظور پذیرفته شدن حاکمیت به عنوان کارگزار تبلیغ.

۳. تعیین نیاز مخاطب: کارگزار تبلیغ خود را به جای مخاطبش قرار دهد. و مشخص نماید چرا روش‌های موجود نمی‌توانند نیازهای او را پاسخ دهند.

۴. ایجاد انگیزه تغییر: در این مرحله باید توجه داشت تغییر برای پاسخ به نیازهای مخاطب باشد نه تغییر برای تغییر. این انگیزه در مرحله ثبات نیز می‌تواند مؤثر باشد.

۵. تبدیل نگرش به رفتار: نگرش‌ها معمولاً آمادگی‌های افراد برای پاسخ به محرک‌ها هستند که خود را کردند. اما رفتار را در موقعیت‌های مختلف می‌سازند.

۶. پایدار ساختن تغییر: با فرستادن پیام‌های مکمل و تثبیت‌کننده افکار و باورهای جدید.

۷. دستیابی به داوری جدید: با استفاده از رهبران افکار و تعاملات و ارتباطات آن‌ها با جامعه هدف (Dadgaran, 2008).

نکته‌ای که در فرایند فرهنگ‌سازی و متقاعدسازی جامعه نسبت به مجازات‌های جایگزین زندان وجود دارد، مقاومتی است که احتمالاً بخشی از بدنه جامعه از خود نشان خواهد داد. چرا که هرگونه تغییر مولفه‌های دیرپای فرهنگی که سال‌هاست در اندیشه افراد جامعه ریشه دوانده و استحکام یافته‌اند، قطعاً با مخالفت‌ها و مقاومت‌هایی روبرو خواهد شد که برای غلبه بر این مقاومت ضروری است که هم ابزارهای متقاعدسازی و هم روش‌های این فرایند به درستی انتخاب شده و بر اساس برنامه‌ای مدون شامل سازوکارهای کوتاه مدت، میان‌مدت و بلند مدت و با نظر کارشناسان و متخصصان افکار عمومی و رسانه صورت پذیرد.

به خصوص در حوزه روان‌شناسی اجتماعی، هر ارتباط متقاعدکننده بر چهار متغیر وابسته به پیام‌دهنده، محتوا، راه ارتباطی و مخاطب استوار است. بر این اساس، مهم است که بدانیم «چه کسی، چه چیزی را و از طریق چه کانالی به چه کسانی می‌گوید»، چرا که این افراد منابع اصلی خلاقیت و پویایی فرهنگی به حساب می‌آیند. در چنین فرایندی هریک از این متغیرهای ارتباطی می‌توانند از درجات مختلف تأثیرگذاری برخوردار باشند به طوری که گاه ممکن است، ضعف یکی از این عناصر به شکست نهایی این فرایند بیانجامد (Hakim Ara, 2000). چنانکه ملاحظه می‌شود، متقاعدسازی را می‌توان مقوله‌ای با دو عامل تأثیرگذار دانست که یک عامل به حوزه علوم ارتباطات وابسته است و عامل دیگر آن از حوزه روانشناسی ریشه می‌گیرد. از این رو می‌توان گفت که رسانه‌ها با تمام ویژگی‌های رسانه‌ای که دارند به عنوان سخت‌افزار تبلیغ، شناخته می‌شوند و نظریه‌ها، متون متقاعدسازی و شیوه‌های تغییر نگرش‌ها، جنبه‌های نرم‌افزاری آن به شمار می‌روند که در این فرایند می‌بایست به آن توجه خاص نمود تا با بیشترین اقبال و کمترین مقاومت روبرو گردد.

۵. رسانه‌های جمعی

امروزه رسانه‌ها بیش از پیش در زندگی ما حضور دارند و در مواردی بدون آنکه متوجه باشیم، ساعتها مخاطب رادیو و تلویزیون و ... می‌شویم. رسانه‌ها در جهان جدید، یک جهان مجازی می‌سازند که در این جهان مجازی هر فردی برای برقراری ارتباط، از امکانات متعددی برخوردار است و لذا شخصیت فرد از طریق مجموعه ارتباطات او ساخته می‌شود و در اینجاست که از «رسانه‌ای شدن فرهنگ و جامعه» سخن گفته می‌شود (Bahonar, 2015). در این میان رسانه‌های جمعی نقش بسیار مهمی در اجرای سیاست‌های اجرایی قانونگذاران جامعه بر عهده دارند که این موضوع در مسئله حبس زدایی نیز استثنا نیست قدرت و تأثیر این ابزارهای فکری آن قدر بالاست که بدون آن‌ها، دسترسی به جامع‌ای که دارای فرهنگ پویایی باشد، غیرممکن خواهد بود. رسانه‌ها می‌توانند مردم را با روش‌های اجرای مجازات‌های جایگزین حبس آشنا کرده و اطلاعات لازم را به آن‌ها ارائه کنند. به علاوه، با به تصویر کشیدن فرآیند زندانی شدن مجرمین و تأثیرات و مشکلات ناشی از آن و نمایش مزایای حبس‌زدایی، به‌ویژه از طریق سریال‌های تلویزیونی، در این راستا به فرهنگ‌سازی کمک می‌کنند. آن‌ها به مردم می‌آموزند که چگونه با اتخاذ تدابیر صحیح تربیتی، آموزشی و اجتماعی از بروز جرائم احتمالی برای افراد مجرم پس از اجرای مجازات‌های جایگزین جلوگیری نمایند. نشان دادن این امر که با توجه به اینکه بعد از ورود افراد به زندان، پذیرش اجتماعی نسبت به این افراد سخت‌تر خواهد بود و برچسب‌های اجتماعی مانند فرزند زندانی یا همسر زندانی به خانواده آن‌ها می‌خورد یا برای خود آن فرد در هر کاری که بخواهد انجام دهد، سوءسابقه مطرح می‌شود، از سوی رسانه‌های جمعی، مردم را در پذیرش راحت‌تر مجازات‌های جایگزین کمک می‌نماید.

در واقع فهم این موضوع که در برخی از جرائم، زندان نمی‌تواند جایگاه خوبی داشته باشد و در مورد فردی که به هر صورت مرتکب بزه‌ی شده است، می‌توان از مجازات‌هایی با ضمانت اجرایی بهتر استفاده نمود، امری حائز اهمیت برای مسئولین اجرایی کشور است. از سویی اتخاذ تدابیر آموزشی در مدارس، دانشگاه‌ها، گروه‌های مذهبی به صورت حضوری و مجازی و همچنین چاپ کتابهای آموزشی و موسیقی مرتبط، از دیگر فعالیتهای رسانه‌های جمعی به شمار می‌آید. این نوع رسانه‌ها معمولاً در به وجود آوردن الگوهای رفتاری در زمینه نحوه برخورد با سیاست‌های حبس زدایی بسیار موثر هستند.

همچنین قهرمانان، هنرپیشگان سینما، ورزش کاران و قهرمانان ملی، تأثیرات بسیار مهمی در تغییرات فرهنگی جامعه به سوی حبس زدایی دارند، و به عنوان یکی از ابزارهای رشد در یک مسیر متوازن مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین حمایت این قشر مهم از سیاست‌های حبس زدایی و تولید برنامه‌های مختلف با حضور این گروه تأثیرگذار، نقش بسزایی در پذیرش گروه‌های مختلف مردم دارد.

۶. گفتگوی مستقیم با مردم

گفتگوی مستقیم با مردم و آگاهی بخشی به آن‌ها به صورت حضوری از روش‌های مناسبی بوده که در راستای فرهنگ سازی و نهادینه نمودن سیاست‌های حسب زدایی و مجازات‌های جایگزین موثر است. تولید برنامه‌های مصاحبه‌ای، مناظره‌ای و تبلیغات حضوری در سطح شهر و در میدانی اصلی و پرتردد که در نتیجه آن گروه‌های مختلف مردم به مشارکت و همفکری پرداخته و دیدگاه‌های خود را مطرح و با نظرات مختلف آشنا می‌شوند. در این روش دو نفر یا بیشتر به صورت مستقیم، رو در رو و به اصلاح چهره به چهره با یکدیگر صحبت می‌کنند. عقاید مورد نظر خود را انتقال داده و از هیچ واسطه‌ای استفاده نمی‌کنند. باید گفت هنگامی که انسان از حوزه فردی بیرون می‌آید و وارد اجتماع می‌شود، در اولین قدم با پیرامون خود ارتباط برقرار می‌کند و این برقراری ارتباط منجر به آگاه شدن وی می‌گردد. از طرف دیگران مسئولین اجرایی در این روش با دیدگاه‌های مختلف آشنا شده و درصدد رفع مشکلات و موانع برمی‌آیند. در این بین برگزارکنندگان باید تلاش نمایند ارتباط مثبت همراه با حمایت میان مسئولین و مردم، ایجاد نمایند تا در محیطی پویا و ارتباطی دوستانه و صمیمانه آموزش‌های لازم به صورت موثر اجرا گردد. از سویی دیگر مردم باید در گفتگوی مستقیم، احساس امنیت و آرامش داشته باشند. آن‌ها باید مطمئن باشند که در آن محیط مورد احترام قرار می‌گیرند و می‌توانند بدون ترس و نگرانی ابراز عقیده نمایند.

۷. سازمان‌های مردم نهاد

سازمان‌های مردم نهاد به دلیل محبوبیت و مقبولیت بیشتر در بین مردم می‌توانند به عنوان الگویی سازنده، در نهادینه نمودن مجازات‌های جایگزین حسب تاثیرات فراوانی داشته باشند. این نهادها چه از طریق آگاه سازی مردم به صورت مستقیم و چه از طریق اجرا نمودن احکام زندانیان به صورت غیرمستقیم و همکاری با سازمان زندانها، نقش خود را ایفا می‌کنند. همواره زندانیان و خانواده ایشان از جمله اقشاری هستند که در معرض بیشترین آسیب‌ها قرار دارند. تحمیل هزینه‌های گزاف به جامعه از باب نگهداری زندانیان از یک سو و آسیب پذیری اعضای خانواده زندانی و از دست رفتن جایگاه فرد در خانواده و جامعه پس از اتمام دوران محکومیت از جمله این آسیب‌ها چه برای جامعه و چه برای خود فرد و خانواده ایشان است. برای کاهش آسیب و حمایت از این گروه، سازمان‌های مردم نهاد می‌توانند برنامه‌های ویژه‌ای داشته باشند.

در برخی مواقع ممکن است فرد مجرم دارای موقعیت اجتماعی مطلوبی بوده و ناخواسته جرمی را مرتکب گشته و با وقوع این جرم و ورود وی به زندان، موقعیت اجتماعی و آینده شغلی وی و موقعیت اجتماعی خانواده اش به مخاطره بیفتد. بنابراین در این شرایط بهترین اقدام در نظر گرفتن مجازات‌های جایگزین حسب به صورت خدمت در سازمان‌های مردم نهاد است. در واقع این افراد می‌توانند به تشخیص قاضی، به جای حضور در زندان به فعالیتهای اجتماعی متناسب با جرمی که مرتکب شده‌اند، محکوم شوند. سازمان‌های مردم نهاد مانند خیریه‌ها، انجمنهای سلامت، انجمنهای ازدواج آسان، موسسات حمایت از معلولین، کانونهای بازنشستگی، گروه‌های حفاظت از محیط زیست، انجمنهای دانشجویی، گروه‌های مذهبی، گروه‌های ورزشی و ... با توجه به نیازهای خود از این افراد به صورت ساعتی یا روزانه برای یک خدمت رایگان اجتماعی استفاده می‌کنند.

در این راستا ناگفته نماند چالش‌هایی چون فقدان اختیارات کافی سازمان‌های مردم نهاد در خصوص به کارگیری نیروی زندانی، نگرش تهدیدآمیز به محکومین از سوی بعضی از سازمان‌های مردم نهاد، توجیه نبودن و عدم اشرافیت برخی از مسئولین و مدیران سازمان‌های پذیرنده محکومین، فقدان سازوکارهای مناسب سازمان‌های پذیرنده در خصوص نحوه اجرای احکام جایگزین و مؤثر نمودن این اجراء، عدم وجود

ساز و کار مناسب جهت هماهنگی بین دادگستری و سازمان‌های پذیرنده محکومین، عدم ضمانت اجرا برای سازمان‌های پذیرنده در صورت عدم اجرای وظایف محوله، می‌تواند مانع بزرگی در همکاری و اجرای مجازات‌های جایگزین در سازمان‌های مردم‌نهاد به شمار آید.

نتیجه‌گیری

وقتی سخن از زندان به میان می‌آید هدف اصلی اجرای عدالت و اصلاح مجرم است. در نظام قضایی ایران نیز اصل بر اجرای عدالت بوده، بر این اساس اقناع افکار عمومی یکی از مولفه‌های مهم در این زمینه می‌باشد. متأسفانه این مؤلفه همواره نادیده گرفته شده و در بحث زندان و اجرای مجازات‌های جایگزین آن، اقناع افکار عمومی جایگاه مشخصی ندارد و بدون توجه به متقاعد سازی افکار عمومی به دنبال اجرای مَر قانون هستیم. اما نکته‌ای که مسلم است چه در مرحله وضع و چه در مرحله اجرای قوانین لزوم قانع شدن افکار عمومی است زیرا در غیر این صورت، اعتماد عمومی نسبت به نظام قضایی کاهش پیدا کرده و کارایی و تاثیرگذاری مجازات‌های جایگزین حبس نیز کمتر خواهد شد و حتی ممکن است عدم پذیرش آن از سوی افکار عمومی منجر به مجادله با نظام قضایی گردد. در واقع، بستر اصلی اجرای سیاست‌های حبس‌زدایی به فرهنگ و ارزش‌های جامعه وابسته است و همه عوامل مؤثر در این زمینه به‌نوعی با جامعه در ارتباط هستند. در این بین، عده‌ای مانند سیاست‌مداران، روشنفکران و مدیران نقش کلیدی‌تری ایفا می‌کنند؛ زیرا می‌توانند بر نوع سوگیری و همراهی مردم تاثیرگذار باشند. همچنین یافته‌ها حاکی از آنست که خوشبختانه امروزه ابزارها و تکنیک‌های رسانه‌ای به قدری رشد یافته‌اند که با دانستن شیوه صحیح استفاده از آن‌ها می‌توان ارتباط وسیع، عمیق و موثری را با جامعه هدف برقرار نموده و در صورت برقراری چنین ارتباطی، تغییرات نگرشی و رفتاری دلخواه را در آنان به وجود آورد. چنین تأثیری در ابتدا نیازمند برقراری ارتباط دوسویه و مبتنی بر اعتماد و احترام به افکار عمومی و فهم متقابل بوده و در ادامه مستلزم دانستن شیوه‌های اقناع، فرهنگ‌سازی و نهادینه‌سازی باورهای جدید خواهد بود. مطمئناً بهره‌گیری از برنامه‌های راهبردی و بکارگیری ابزارهای متنوع و کارآمدی چون رسانه و تبلیغات، تدابیر آموزشی، رسانه‌های اجتماعی و ابزارهای فضای مجازی، همکاری با مشاهیر و سلبریتی‌ها، مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد، گفتگوی مستقیم با مردم و ... می‌تواند سیاست‌های حبس‌زدایی و ترویج مجازات‌های جایگزین را نیز به بهترین وجه ممکن و در سریع‌ترین زمان ممکن فرهنگ‌سازی نمود و افکار عمومی جامعه اعم از مردم و مسئولان امر را نسبت به لزوم، اهمیت و ثمرات آن آگاه نمود. لذا تا زمانی که پیوست فرهنگی و رسانه‌ای مناسبی برای متقاعد سازی افکار عمومی در جهت سیاست حبس‌زدایی و استفاده از مجازات جایگزین حبس ارائه و اجرایی نشود امکان بهره‌گیری از این نهاد به نحو مطلوب و شایسته میسر نخواهد بود.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Public opinion plays a pivotal role in shaping societal responses to crime and influencing policy implementation by policymakers. Over time, public opinion has evolved from a traditional concept to an intrinsic social conscience that influences responses to societal events. The successful implementation of policies, particularly decarceration strategies and alternative sentencing, requires effective public persuasion to ensure favorable outcomes. In Iran, the absence of adequate public persuasion has led to significant challenges and failures in implementing decarceration policies. Policymakers have primarily focused on legal enforcement without establishing the necessary public support, which has hindered the widespread acceptance of alternative sentencing. Strategic programs leveraging media, education, and organizational participation are crucial to raising awareness and persuading public opinion, which can facilitate the acceptance and implementation of decarceration policies and alternative sentencing measures (Salehi et al., 2018; Suvi, 1975).

Public opinion is an amalgamation of collective perceptions and social consciousness that can significantly impact governmental policies. It is influenced by cultural, social, and political contexts and can either support or obstruct policy implementation. In the case of Iran, the deep-rooted perception of imprisonment as a necessary punitive measure has posed a challenge to the adoption of alternative sentencing. While many countries have successfully integrated such alternatives into their judicial systems, Iran continues to struggle with resistance due to the lack of public awareness and acceptance (Aghabakhshi & Afsharirad, 2000; Naqhibzadeh, 2009). The concept of alternative sentencing has been incorporated into the Iranian legal system through the Islamic Penal Code of 2013, which outlines several non-custodial penalties such as community service and electronic monitoring. However, without effective communication strategies to persuade the public of their benefits, such measures have not been fully embraced (Zeraat, 2013).

Despite the legislative framework supporting decarceration, various obstacles hinder the widespread adoption of alternative sentences in Iran. Cultural perceptions of punishment, lack of awareness, and the reluctance of judicial authorities to deviate from traditional incarceration methods contribute to these challenges. Additionally, the stigmatization of offenders who receive alternative sentences can further impede their social reintegration (Gholami & Maleki, 2014). Policymakers must recognize the importance of addressing these cultural barriers through targeted awareness campaigns and community engagement initiatives that emphasize the rehabilitative and restorative aspects of alternative sentencing (Mutavali, 2002).

Media and education serve as powerful tools for shaping public opinion and fostering acceptance of alternative sentencing policies. Public perception can be influenced through strategic media campaigns that highlight the effectiveness of non-custodial measures in reducing recidivism and promoting rehabilitation. Educational initiatives in schools and communities can further reinforce positive attitudes toward these measures, encouraging societal acceptance and participation (Bahonar, 2015). Collaborative efforts involving governmental bodies, media outlets, and civil society organizations can create a comprehensive approach to public persuasion that addresses misconceptions and builds trust in the criminal justice system's reform efforts (Christensen, 2020).

Islamic teachings and the perspectives of jurists offer valuable insights that can support the implementation of alternative sentences within the Iranian legal framework. Religious principles emphasizing rehabilitation, restitution, and social harmony align with the objectives of decarceration policies. Engaging religious leaders and scholars in public discourse can lend credibility to alternative sentencing initiatives and promote their acceptance within conservative segments of society (Ebn Manzoor, 2001). By incorporating religious narratives that highlight the ethical and

moral justifications for non-custodial measures, policymakers can appeal to a broader audience and foster a sense of collective responsibility for offender rehabilitation (Najafi Abrandabadi, 2002). To achieve successful decarceration and the widespread adoption of alternative sentencing, a multi-faceted approach is required. This approach should include strategic public persuasion through media campaigns, educational programs, religious engagement, and policy transparency. The involvement of various stakeholders, including governmental institutions, civil society, and the media, is essential to creating an environment conducive to policy acceptance. Future initiatives should focus on addressing cultural resistance, enhancing public trust, and demonstrating the tangible benefits of alternative sentencing through evidence-based practices. Only by fostering a well-informed and supportive public can Iran successfully transition to a more rehabilitative and restorative criminal justice system.

References

- Abol Asal, J., & Translated by Ali Hossein Najafi, A. (2000). Alternatives to deprivation of liberty and estimating the balance sheet of their implementation in French law. *Journal of Legal Research*, 31(32), 271-282.
- Aghabakhshi, A., & Afsharirad, M. (2000). *Political science culture*. Chapar.
- Bahonar, N. (2015). *Media and religion*. Broadcasting Research Center Publications.
- Carl, B., & Vincent, H. (1999). *Theories of public relations*. Media Studies and Research Center.
- Christensen, R. (2020). *The voice of the people*. Ketabsera Publishing.
- Dadgaran, S. M. (2008). *Basics of mass communication*. Marvarid Publications.
- Ebn Manzoor, M. (2001). *Arabic language*. Dar Sader: Dar Beirut.
- Elyasi, M. (2008). Persuasion in theory and practice. *Quarterly Journal of Psychological Operations Studies*, 5, 6-31.
- Gholami, M., & Maleki, A. (2014). Alternative punishments of imprisonment and its role in preventing recidivism. *Quarterly Journal of Crime Prevention Studies*, 37, 31-38.
- Mutavali, K. (2002). *Public opinion and methods of persuasion*. Behjat Publications.
- Najafi Abrandabadi, A. H. (2002). Roundtable on alternatives to imprisonment. *Legal and Judicial Journal of Justice*, 38, 58-72.
- Naqhibzadeh, A. (2009). *An introduction to political sociology*. Side.
- Salehi, A., Mirkhalili, S. M., & Mousavi Mojab, S. D. (2018). A look at the results of the interaction between the police and the media in the field of criminal policy in Iran. *Judicial Law Journal*, 108, 101-118.
- Suvi, A. (1975). *Public opinion and its effect on social life*. Sohami Kitabahi Jibi.
- Taqavi, S. M. (2005). *Politics in parentheses*. Farhang Islamic Publishing House.
- Zeraat, A. (2013). *General criminal law*. Phoenix.